

ترور در بازارچه شاهپور

سیدمجتبی هاشمی که در ابتدای جنگ، فرماندهی گروه فدائیان اسلما را به عهده داشت، راهپیمایی هایی در نماز جمعه بر علیه مفاسد بی حجابی و مفاسد گرانفروشی را می انداخت. آدم فعالی بود که باز دست از کار نکشید. از آن طرف همچون مبارزه با منافقین سرلوحه کارش بود و خانه های تیمی را که شناسایی می کرد به دادستانی خبر می داد و با حکم آقای خلخالی دستگیرشان می کرد و به محاکمه می رسیدند، لذا اسم سیدمجتبی هاشمی به عنوان یک عنصری که هم در جنگ و در آبادان، منافقین را دستگیر کرده بود و هم در تهران اینها را گرفته بود و به دادگاه تحویل می داد، در لیست سیاه منافقین قرار گرفت. تا این که ۲۸ اردیبهشت ۶۴ در ایام نزدیک به ماه رمضان منافقین در مغازه خودش، مثل شهید لاجوردی با تیر مستقیم ایشان را به شهادت رساندند. مزارش در بهشت زهرا(س) قطعه ۲۴ ردیف ۷۶ شماره ۲۷ است.

جام جمه

پایداری

چهارشنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۲ ■ شماره ۶۴۶۸

خون‌نگار

زینب گل‌محمدی | خبرنگار

نخستین عملیات گسترده در غرب

عملیات «کربلای ۱۰» که در غرب کشور به اجرا درآمد و مناطق بسیاری به دست رزمندگان ایرانی آزاد شد حضور نسبتا گسترده کردهای معارض عراقی در این مناطق باعث شد تا در مرحله نخست گشایش جبهه تازه در غرب کشور، تلاش‌ها عمدتا به اتصال عقبه مناطق آزاد شده به ایران و باز شدن عقبه نیروهای معارض معطوف شود.

منطقه عمومی این عملیات در محور بانه ـسردشت از شمال به رودخانه مرزی «گلاس» از جنوب به رودخانه «اوسپویل» از شرق به «سورکوه» و از غرب به ارتفاعات «گرده‌رش» و سپس ارتفاعات عمومی «اسوس» منتهی می‌شد. این منطقه دارای عوارض حساس و ارتفاعات نسبتا بلند و صعب‌العبور است.

تردد در این مناطق به دلیل نبود راه بسیار دشوار بود اما به دلیل وجود درختان مرتفع در پایین ارتفاعات، وضعیت برای اختفای نیروهای عمل‌کننده و حتی تحرک و جابه‌جایی آنها در روز، کاملا مناسب تشخیص داده شد.

استعداد نیرو و گسترش دشمن در این منطقه تا قبل از عملیات «والفجر ۹» که در پاییز سال ۱۳۶۴ توسط نیروی زمینی سپاه صورت گرفته بود قابل توجه نبود اما پس از آن و به‌ویژه پس از دو عملیات «فتح ۱ و ۲» دشمن دوباره حساس شد و تلاش‌های نسبتا وسیعی را به منظور تصرف مناطق تحت تسلط کردها و مسدود کردن معابر وصولی به عمق خاک عراق انجام داد. چنان‌که تیپ‌های کماندویی سپاه هفتم و سوم و چند تیپ و گردان مستقل دیگر با نظارت شخص صدام طی روز ۱۰۰ روز بسیاری از ارتفاعات را به تصرف درآوردند.

حرکات دشمن بعد از عملیات «فتح ۱» بر پایه این تحلیل انجام می‌گرفت که در صورت عدم مقابله جدی، قوای نظامی ایران با تقویت نیرو به سمت «ازمر» و سپس سلیمانیه پیشروی خواهند کرد اما با وجود همه تلاش‌های دشمن، سرانجام در روز ۳۰ فروردین ۱۳۶۴ عملیات کربلای ۱۰ با رمز «یا صاحب‌الزمان (عج) ادرکنی» توسط نیروی زمینی سپاه در منطقه‌ای به وسعت ۲۵۰ کیلومتر مربع آغاز شد.

این عملیات که نخستین عملیات گسترده در غرب کشور پس از انتقال میدان اصلی جنگ از جنوب به شمال بود، هماهنگ با تکت‌نیروهای منظم در جبهه «ماووت» و عملیات نامنظم فراکاره «رمضان» و اتحادیه میهنی کردستان عراق در شمال سلیمانیه انجام گرفت.

طی این حمله آزادسازی ۵۰ روستای منطقه، ارتفاعات سرلگو، برده‌موش، قشن، اسبیدار، کلان و چند ارتفاع دیگر میسر شد. همچنین ۲۰ کیلومتر از جاده ماووت ـ سلیمانیه تحت کنترل رزمندگان ایرانی درآمد.

تجهیزات نهمدم شده دشمن شامل یک فروند هلی‌کوپتر، ده‌ها دستگاه تانک و نفربر، چند قبضه خمپاره‌انداز، مقداری سلاح سبک و نیمه‌سنگین است. همچنین ۱۳ گردان و تیپ مستقل دشمن آسیب دیده، تعداد کشته و زخمی‌ها و اسرای دشمن به ۴۲۲۵ نفر رسید.

در این عملیات هشت دستگاه تانک و نفربر، چند دستگاه خودرو و مقداری سلاح و مهمات به غنیمت رزمندگان اسلام درآمد. از جمله شهیدان شاخص عملیات کربلای ۱۰ می‌توان به حسن شفیع‌زاده، فرمانده توپخانه نیروی زمینی سپاه اشاره کرد. یاد همه شهدای این عملیات مهم و به‌یاد ماندنی گرامی باد.

آقا سید مجتبی

آقا مجتبی محمد عامری

شهادت به نوبت سید مجید گل محمد

هاشمی علی اکبری مزدآبادی

پنجه در پنجه رئیس جمهور جعفر کاظمی

شاهرخ گروه شهید ابراهیم هادی



گفت وگو با «حاج قاسم صادقی» که ۹ سال است همه زندگی اش را پای شهدای فداییان اسلام گذاشته

عروسی در پیابان‌های آبادان!



چند سالی است که حاج‌قاسم صادقی از باقی‌ماندگان گروه فدائیان

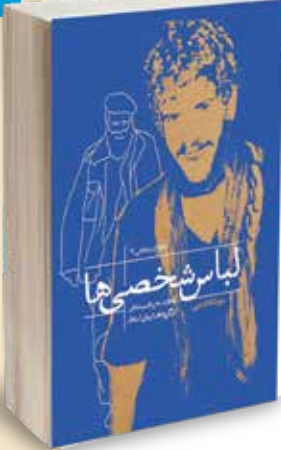
اسلام (گروه شهید سیدمجتبی هاشمی) در دشت ذوالفقاری آبادان، یادمانی را برای شهدای هم‌رزمنش تدارک دیده و سال به سال فعالیت‌های این یادمان را گسترش می‌دهد.

امسال نیز در ایام نوروز و اعزام کاروان‌های راهیان نور به خوزستان، این یادمان شب‌ها و روزهای به یاد ماندنی و ویژه‌ای را برای

بازدیدکنندگانش رقم زد. از خاطرات حاج‌قاسم صادقی از کودکی تا روزهایی که به گروه فدائیان اسلام پیوست و برای دفاع به دشت ذوالفقاری آبادان رفت کتابی به نام «لباس شخصی‌ها» و با قلم جواد کلاته‌عربی چاپ شده که در نمایشگاه کتاب تهران، منتشر و عرضه خواهد شد. پای صحبت حاج قاسم نشستیم تا از حال و هوای دشت ذوالفقاری آبادان و یادمانی بگویید که امسال بیش از ۱۰۰هزار نفر از آن بازدید کرده‌اند.



مهم شهید گروه پایداری رشیدی مهربادی دیرگروه پایداری



میزبانی از آبان ۱۴۰۱

باتوجه به این که دو سال درگیر کرونا بودیم اما همچنان میزبان کاروان راهیان نور بودیم. چون من با خانواده‌ام در اینجا زندگی می‌کنم و همه این موضوع را می‌دانند، افراد زیادی در این سال‌ها با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، برای بازدید از یادمان شهدای ذوالفقاری به آبادان آمدند. امسال که رسماً راهیان نور راه‌اندازی شد، ما از آبان ۱۴۰۱ میزبان کاروان‌های دانش‌آموزی بودیم. بعد هم مردم عادی و اداره جات و کارخانجات می‌آمدند و به اوج خودش رسید که در خدمت ۴۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) در قالب گروه‌های ۲۰۰ نفری بودیم. امسال دو گروه هم به زائران همیشگی ما اضافه شدند؛ گروه‌های شهید صیاد شیرازی و شهید حسن باقری. گروه شهید صیاد شیرازی تعدادی از طلاب علوم دینی را با خانواده‌های‌شان به اینجا آوردند و پذیرایی کردند. گروه شهید باقری هم در قالب سایت از ماشین‌های شخصی ثبت‌نام می‌کردند که به اهواز و بعد به سمت آبادان و یادمان ما بیایند. روزانه بین ۱۱۰ تا ماشین سواری شخصی به اینجا می‌آمدند و پذیرای‌شان بودیم.

هفت سری جهیزیه

امسال هفت سری جهیزیه، هر کدام به ارزش ۱۲۰ میلیون تومان را به کمک خیرین و موسسه خیریه ثامن‌الحجج (ع) آماده کردیم و عروس و دامادها را هم به اینجا آوردیم و در حسینیه و با حضور کاروان‌های راهیان نور، سفره و مراسم عقدشان را برگزار کردیم. این زوج‌ها از استان‌های مختلف بودند اما عمده‌اش برای روستاهای محروم خوزستان بود. ما همین الان هم مشغول سنگ‌سازی و ساخت

از سنگر خواهران تا سنگر لوتی‌ها

یکی از اهداف من برای احیای یادمان شهدای ذوالفقاری این است که خانواده‌های شهدای گروه فدائیان اسلام دائماً به اینجا می‌آیند. من بر اساس اقتضای مختلفی که در دشت ذوالفقاری بودند، سنگرهایی را به اسمشان ساختم؛ مثلاً سنگر خواهران رزمنده؛ سنگر طلاب؛ سنگر دانشجویان؛ سنگر بچه‌های کمیته؛ سنگر ژاندارمری؛ سنگر لوتی‌ها و داش‌مشتی‌ها؛ سنگر دخترها و مهندس‌هایی که از خارج آمده بودند، مثل دکتر محمدعلی حبیب...، مهندس اصغر سله‌لو؛ مهندس مهدی که بخشدار بهار همدان بود... وقتی رزمندگان‌های آن زمان با خانواده‌های‌شان به اینجا می‌آیند، در سنگر مخصوص خودشان اسکان می‌گیرند.

نوجوان‌های بیش‌فعال و بدقلق



اوج حضور کاروان‌ها در این دوره به اسفندماه گذشته برمی‌گشت اما در ماه مبارک رمضان هم پذیرای کاروان‌هایی بودیم. یک‌گروه از کانون‌های اصلاح و تربیت با تعدادی از نوجوان بیش‌فعال و بدقلق با مسئول‌شان که یک روحانی بود از شهرستان‌ها آمدند. بچه‌های عجیبی بودند. مثلاً روی لوله تانک راه می‌رفتند و به قول ما از دیوار صاف هم بالا می‌رفتند. بچه‌هایی بودند که دوست داشتند از خانه و خانواده بیرون بزنند تا انرژی‌شان تخلیه شود. اینجا هم تفریح کردند و هم برایشان بار معنوی داشت. من هم سعی

کردم بیشتر از خاطرات شهدای بیش‌فعال برایشان بگویم، مثلاً شهدایی داشتیم که بقیه را ذنیت می‌کردند. نیمه شب بیدار می‌شدند و داخل پوتین بقیه گل می‌ریختند. یا با نخ و سوزن، لباس رزمنده‌ها را به پتو و لافشان می‌دوختند!... این بچه‌ها وقتی می‌خواستند بروند معلوم بود که تغییر کرده‌اند. من سال‌ها پیش هم بچه‌های کانون اصلاح و تربیت را به یادمان شلمچه بردم که هنوز هیچ سازه‌ای نبود و مامعری باز کرده بودیم تا به محل یادمان برسیم.

سرویس‌های بهداشتی و امکانی برای اسکان راهیان نور در طول سال هستیم. چون آبادان میدان تیر نداشت، یک میدان تیر هم برای آموزش نیروهای نظامی درست کردیم که در این زمینه هم پسرم چون مربی تیراندازی است، خدماتی را ارائه می‌کنیم.

اینجا برای من بهشت است و هر قدر کار می‌کنم خسته نمی‌شوم. حضرت امام فرمود بهشت و جهنم، اعمال ماست. هر کار خوبی که اینجا انجام بدهم، بهشت من است. کسی هم که خلاف می‌کند، عذاب واقعی، عذاب وجدان خود آن طرف است.

جنازه‌های دشمن

چند وقت پیش در حال لوله‌کشی آب بودیم که به تعدادی از جنازه‌های دشمن برخوردیم. ۵ جنازه را به سردار باقرزاده دادیم که مبادله کند. یک جنازه را هم چون آلات قمار در حبیبش بود همین جا نگه داشتیم تا به عنوان قبرستان نیروهای متجاوز عراقی، همین جادفن کنیم.

نماد چهارده متری



ما اینجا نمادهایی را درست کردیم که هیچ جای ایران هم نیست. مثلاً یک تریلی کامل از ادوات جنگی مثل پوکه‌های توپ ۱۰۶، توپ ۱۲۳، گلوله‌های خنثی‌شده و... را جمع کردم و نمادی درست کردم به قطر هشت و ارتفاع ۱۴ متر. که نماد از چهارده معصوم است. یک سنگر درست کرده‌ام که همه‌اش هم با پوکه‌ها و گلوله‌های خنثی‌شده است. برای روی سنگر هم از ریل راه‌آهن و تراورس استفاده کرده‌ام. همان کاری که عراقی‌ها با آهن‌های راه‌آهن خرمشهر تا آبادان کرده بودند. یکی می‌گفت اینجا مثل چغارتبیل و تخت جمشید، برای اینگان می‌ماند که بعداً مردم در جریان دفاع مقدس قرار گیرند.

احیای خط پدافندی ارتش



اعتقاد دارم که خدا حی و حاضر است و شهدا هم نزد خدا روزی می‌خورند برای همین من هیچ‌گونه دغدغه‌ای برای تأمین مالی ندارم چون انسان‌هایی هستند که وقتی پا به این سرزمین می‌گذارند، وجدان بیدارشان پیدارت می‌شود و خودشان خودجوش کمک می‌کنند. از جمله سرلشکر باقری که سال گذشته آمد و کار مرا دید. به ایشان گفتم می‌خواهم میدان توپخانه و زرزی ارتش را احیای کنم. چون آن زمان سپاه اصلاً این تجهیزات را نداشت و نه‌اینها کلاشینکف و ژ۳ و توپ ۱۰۶ داشت و دلگرمی بچه‌های بسیجی هم به ادوات زرهی ارتش بود که در خط مقدم حضور داشت. توپخانه و زرزی ارتش در اینجا خط داشتند و من می‌خواهم این خط را احیای کنم. سرلشکر باقری دستور دادند که امیر حیدری، با هماهنگاری کند که جلسه‌ای هم برگزار شد و توانستیم این خط پدافندی و توپخانه را در این یادمان تأسیس کنیم.